گفت و گو با حسن آخوندپور، فیلم ساز مشهدی سینما و تلویزیون کشور

می خواهم اثری جهانی از شاهنامه بسازم

سریال «عشق کوفی»

آزیتا حسین زاده عطار

گفت و گوی روز

حسن آخوندپور متولد محله سعدآباد مشهد است. او به خاطر شغل پدرش که در نیروی زمینی ارتش بوده تا پانزده سالگی به شهر های مختلفی سفر کرده است. وقتی یازده ساله بود برای اولین بار روی صحنه تئاتر مدرسه رفت و در تئاتری با موضوع دهه فجر در نقش ساواکی بازی کرد. او نخستین فیلم کوتاه خود را در شانزده سالگی ساخت و از همان سال ها با یک دوربین هندی‌کم از تئاتر ها و موضوع های دیگر فیلم تهیه می‌کرد. عشقش به ساخت فیلم ۱۰سال بعد او را به تأسیس شرکت سینمایی کوچکی ترغیب کرد که با تولیدات متنوع و قوی؛ حتی برای صداوسیما در مشهد گل کرد. او اولین سریال تلویزیونی خود، «زیر سقف آرزو» را سال ۱۳۸۶ برای صداوسیما ساخت و پس از آن «روشنا»، «ترانه پاییزی»، «زیبا»، «آغاز»، «تلخ و شیرین» و «به رنگ باران» را با موضوع خانواده و مسائل روز آن تولید کرد. حسن آخوندپور یک اثر بسیار مهم دارد به نام «نسیان» که از معدود مستندهایی که وضعیت ساخت و ساز های حرم را مورد نقد قرار داده است. این کارگردان و فیلم ساز مطرح مشهدی سال ۱۳۹۰ با کارگردانی «شهری که هرگز نمی خوابد» پا به دنیای کارگردانی گذاشت. پنج سال بعد با ساخت «فرشته دختر احمد» و فیلم کوتاه «باهر» پا را فراتر از مرز های ایران گذاشت. بازیگر نقش اول فیلم «فرشته دختر احمد» در جشنواره بین المللی فیلم اسپانیا، کاندیدای جایزه بهترین بازیگر شد و فیلم کوتاه «باهر» که موفق به حضور در بخش کرنر فستیوال کن شده بود با حضور در جشنواره فیلم های ایرانی -سان فرانسیسکو توانست جوایز بهترین فیلم و کارگردانی و بهترین بازیگر زن را از آن خود کند. او همچنین سریال تاریخی «عشق کوفی» را سال ۱۴۰۱ به سفارش سازمان هنری اوج ساخت. این سریال در محرم و صفر سال ۱۴۰۲ از شبکه ۳ سیما پخش و با اقبال خوبی روبه رو شد. حالا نیز در حال ساخت سریال «رؤیای نیمه شب» است که قرار است اردیبهشت سال آتی فیلم برداری آن تمام شود. آخوندپور چهل و سه ساله است و در سابقه خودش فیلم های بسیاری را ساخته و کارگردانی کرده است که همه آن ها در شبکه های سراسری پخش شده اند. با او درباره روایت زندگی خودش و آثارش به گفت وگو نشستیم.

چه شد که از همان سن و سال مدرسه، سراغ تئاتر رفتید؟

من از یازده سالگی در مدرسه تئاتر بازی می‌کردم. تئاتر اولم برای دهه فجر بود و من بازیگر ساواکی آن نمایش بودم. بعد از آن اما از پانزده سالگی روی صحنه رفتم. از کار های کودک و نوجوان شروع کردم و تا یک کار که بعد از سربازی ام انجام دادم و بعد دیگر تئاتر را رها کردم. فیلم سازی را اما از همان پانزده شانزده سالگی انجام می دادم. یک دوربین هندی‌کم داشتم که همان تئاتر ها را یک جوری فیلم برداری می‌کردم که شبیه فیلم باشد. بعد فیلم های کوتاه برای دوستانم در انجمن سینمای جوان فیلم برداری و تدوین کردم. وقتی سرباز شدم من فیلم برداری و تدوین و همه این مهارت ها را یاد داشتم، برای همین گفتند که می توانی خدمتت را در صداوسیما بگذرانی. وسط سربازی به تلویزیون رفتم و حرفه ای تر شدم و در سربازی فیلم ها را تدوین می‌کردم.

شما در سن جوانی، یک شرکت سینمایی تأسیس کردید.

من در صداوسیما تا ۲۵ سالگی ماندم و قرار بود که استخدام بشوم. اما چون مدرکم دیپلم بود استخدام نشدم. دلیلش هم این بود که با آن مدرک نمی توانستم کارگردانی کنم و من عاشق کارگردانی بودم. برای همین بیرون آمدم و شرکت سینمایی در بخش خصوصی تأسیس کردم. یک اتاق کوچک نامش شد شرکت و دو سه سال بعد، کارم را وسعت دادم. بعد از مدتی در همان شبکه خواستند که برای آن ها کار تولید کنم و از ۸۸ تا ۹۲ برای صداوسیما چهار سریال و ۹تله فیلم کار کردم. آن هم در شبکه استانی که موظف به ساختن این چنین آثاری نبود. صرفا انگیزه و علاقه مدیر به آثار نمایشی بود. من با کمترین امکانات کار آماده می‌کردم. او هم با اینکه موظفی های خودش را داشت، با بدبختی هزینه ها را جور می‌کرد. بعد از اینکه آن مدیر رفت من همچنان در مشهد مانده بودم، ولی چون یک طرف قضیه دیگر مایل به این کار نبود، کاری ساخته نشد.

اینکه یک جوان ۲۵ ساله آن شرکت سینمایی را می زند و تولیدات زیادی را عهده دار می شود فشارهایی را هم از سمت دیگران که در این حرفه هستند تحمل می کند که چرا یک جوان باید در این وادی موفق باشد. برای شما هم سنگ اندازی های این چنینی وجود داشت؟

قطعا همیشه وجود دارد. برای همه هم هست. برای من اما فشار ها تا زمانی بود که کار خروجی نداشته است، ولی وقتی کاری بیرون می دادم، همه نظر دیگری داشتند و حمایت می‌کردند. حتی همان کسانی که فکر می‌کردند من از پس کار برنمی آیم در انتهای کار با من همسو می شدند. من در پایان هر پروژه کلی آدم را با خودم همراه کرده بودم. سعی می‌کردم با کمترین هزینه و حداقل ترین ها کارهایم را آماده کنم و در زمان سختی ها جا نزنم. در محتوا هم تا جایی که لطمه به قصه نمی خورد، خودم را با جریان سفارش دهنده وفق می دادم.

بعد از آن دوران تا سال ۹۷ که در مشهد ماندید، تجربه شما در عرصه تولید فیلم و سریال چه بود؟

از سال ۹۳ تا ۱۴۰۰ من هیچ فیلم و سریالی کار نکردم. کار به من سفارش می شد، ولی من انگیزه آن را نداشتم، چون آثاری که پیشنهاد می شد برایم تازگی نداشت و احساسم این بود که تکرار فعالیت های قبل است. تا سریال «عشق کوفی» که کار استخوان داری بود.

اگر مشهد می ماندید، حسن آخوند پور در همین جایگاهی بود که الان هستید؟

من همیشه مشهد بودم. حتی زمانی که در سال ۹۷ شرکت را جمع کردم. من در عمل کوچ نکردم آن زمان. همیشه هم با خودم گفتم دلیلی برای رفتن نمی بینم. ضمن اینکه کارهای بسیاری را برای شبکه ۲ و ۳ سفارش گرفتم و با عوامل مشهدی به تهران رفتیم و فیلم را ساختیم و برگشتیم. همان تیم دفترم برای این کارها همیشه همراهم بودند. من نمی خواستم کوچ کنم، اما شاید اگر همان زمانی که در مشهد کاری ساخته نمی شد کوچ می‌کردم، پیشرفت بیشتری داشتم. ولی این تصمیم من نبود. تا سه سال پیش و زمان ساخت «عشق کوفی» که یک تولید بزرگ بود و من همان زمان کوچ اصلی را انجام دادم. شاید در مشهد زیادی صبوری کردم چون در سال هایی که رفتم سرعت پیشرفتم خیلی زیاد بوده است.

این دلیلش عشق شما به مشهد یا خانواده یا دلبستگی های دیگر بوده است؟

تلفیقی از همه این هاست. یک بخش عمده ای از آن برای شرکتم بود که هفده نفر در آن کار می‌کردند و من نمی توانستم در شرکت را ببندم و به سرنوشت همکارانم بی‌تفاوت باشم. من سال ۹۷ دفتررا به سختی جمع کردم. چیزی راکه از بیست وچند سالگی ساخته بودم. نه پدرم در این کار بود، نه دانشگاهش رارفته بودم. هر چه به دست آوردم با سخت کوشی و استمرار رشد پیدا کرده بود و جمع کردن آن شرکت برایم هزینه روانی نیز داشت. شاید یکی دیگر از دلایل اصلی این کوچ، از دنیا رفتن مادرم بود که انگیزه‌ای برای ماندنم در مشهد نمانده بود.

چرا صداوسیمای خراسان از فیلم های تاریخی یا هر چه مربوط به هویت مشهد می شود خیلی استقبال نمی کند و گاهی می بینیم که برخی از کارگردانان و فیلم سازانی که در این حیطه ورود می کنند بسیار اذیت می شوند هم برای مطالبات هم برای ساخت فیلم هم برای حذفیات و سانسورکارهایی که تولید می شود؟

چند دلیل دارد. مهم ترین آن دلیل اقتصادی و مالی است. هزینه های این قبیل فیلم ها در برآورد های مالی صداوسیمای استان ها نمی‌گنجد. کل برآورد صداوسیمای خراسان رضوی برای کل کارهای نمایشی در سال شاید اندازه یک قسمت سریال تاریخی هم نباشد. پس مجبورند بروند سراغ کارهای سطحی تر با هزینه کم. نبود بودجه باعث می شود که این کارها خوب از آب در نیاید. مهم ترین مسئله بحث های تاریخی؛ تأمین بودجه است. چون اگر نباشد و کار به خاطر بودجه ساده برگزار شود، آن کیفیت لازم را ندارد و کار قفل می شود. هزینه ها در کارهای تاریخی خیلی سرسام آور است. صرفا اگر مرکز استانی هم سریالی کار می‌کند قطعا هزینه آن را از جای دیگری جور کرده است. این به انگیزه فرد مدیرکل هم خیلی بستگی دارد که کار تاریخی را دوست داشته باشد.

از کارهایی که برای صدا وسیما ساخته اید بگویید؟

معمولا هر کاری که ساخته ام پخش شده است. برخی کارها را برای خودشان ساختم و برخی دیگر را هم من ساختم، ولی پخش کرده اند. من برای مرکز خراسان هم فیلم های زیادی ساختم. همان سال های ۸۶ تا ۹۲ با انگیزه و علاقه مدیر مرکز استان، فیلم ها را می ساختیم و کار می‌کردیم.

او می رفت، چانه می زد و پول جور می‌کردیم و با رقم های کمی در مشهد و با عوامل مشهدی فیلم می ساختیم و بسیار هم خوب دیده می شد.

اکنون درگیر کار تاریخی دیگری هم هستید؟

من الان سریالی را شروع کردم به نام «شیرعلی مردان» که داستان واقعی است از زندگی شیرعلی مردان خان بختیاری در حدود صد سال پیش.

برای کارهای تاریخی که می سازید تیم پژوهشی دارید یا کار تحقیق با خودتان است؟

هر دو حالت هست. گاهی اصلا سوژه برای من نیست؛ مانند سریال «عشق کوفی» که پروژه نوشته شده بود. ولی برخی از کارها ایده هایش را خودم داده ام و خودم آن ها را نوشتم و تحقیقات آن را هم خودم انجام می دهم.

با تجربیات خوبی که در ساخت فیلم های تاریخی داشتید آیا بعد از این هم قرار است سراغ آثاری با موضوع های تاریخی بروید؟

من یکی دو طرح قصه تاریخی دیگری دارم که علاقه دارم آن ها را بسازم. ولی اینکه بخواهم در آن فضا بمانم، قطعا نه. دوست دارم در فضای رئال اجتماعی روز هم کار کنم. تا زمانی که انرژی جوانی و حوصله کارهای سخت را دارم سعی می‌کنم فیلم تاریخی بسازم. به هر حال تولید کار تاریخ سخت تر است. سروکله زدن با احشام مانند اسب و شتر که زبان دکوپاژ را متوجه نمی شوند و گریم های طولانی بازیگران جزو سختی هایی است که کارهای دیگر از این منظر آسان تر هستند. البته همین چالش هاست که فیلم های تاریخی را جذاب کرده است.

آیا به این فکر کرده اید برای مشهد اثری ماندگار بسازید؟

با موضوع شهر مشهد و هنرمندان مشهدی که این کار را انجام داده ام. همواره به این شهر دِین دارم و کار داستانی و مستند هم از این شهر ساختم، ولی به نظر خودم هنوز آن‌گونه که باید برای مشهد کاری نکرده ام. به دنبال این هستم که کاری در ارتباط با مشهد و فضای معنوی و مذهبی آن یا یکی از قصه های شاهنامه را کار کنم. در همین شهر و با بچه های همین شهر و البته یک کار جهانی.

چیزی که الان در مشهد داریم می بینیم وضعیت ساخت فیلم های تاریخی و هویتی در این شهر بسیار مورد غفلت قرار گرفته است. به نظر شما علت چیست و شما چطور می توانید به احیای ساخت فیلم های هویتی برای مشهد کمک کنید؟

در شهری مانند مشهد که یک سیستم مدون تولید فیلم ندارد، بیشتر از هر چیزی، آنچه باعث تولید یک فیلم می شود؛ پافشاری یک فیلم ساز بر خواستن و انگیزه فردی مدیر یا مسئول فرهنگی است. یعنی هم هنرمند های مشهدی و هم مسئولان فرهنگی این شهر هم زمان با هم بخواهند که کار انجام شود. با توجه به گران شدن سینما، فقط انگیزه و پافشاری فیلم ساز نیست که موجب خلق یک اثر می شود، بلکه هم زمان با آن باید مدیر فرهنگی با انگیزه و علاقه مندی باشد که در میان انبوهی از مسئولیت های ریز و درشت به فیلم ساختن هم فکر کند. مدیران فرهنگی باید خودشان را به تناسب تولید فیلم نزدیک کنند، نه اینکه فیلم را به مناسبات اداری نزدیک کنند. چون فیلم سازی تناسب خودش را دارد و قواعدش هم مشخص است. اگر خارج از قواعد آن حرکت کنند، کاری انجام نمی شود یا ضعیف می شود. سال هاست که این مسئله مورد آزمون بوده است.

فیلم سینمایی «فرشته»

فیلم کوتاه «باهر»

فیلم سینمایی «شهری که نمی‌خوابد»

سریال «رؤیای نیمه شب»

چرا این خواستن اصلا اتفاق نمی افتد؟

به این دلیل که شناخت کافی از این روند وجود ندارد. الان در سینما بخواهی یک فیلم سینمایی استخوان دار بسازی، باید بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد تومان هزینه کنی. در همین باره باید بگویم که باور و پذیرش این هزینه در شهرستان سخت است. در خارج از تهران وقتی حرف از فیلم و سریال می کنی، شاید بشود فیلم کوتاه یا کلیپ و مستند کار کنی. اما برای ساخت فیلم و سریال همیشه یک سد مالی وجود دارد که مانع ارائه کار خوب می شود. در پایتخت این مسئله خیلی کمتر است. عدد و رقم ها درشت تر است و فهم ماجرا وجود دارد. اگر دستگاهی مانند تلویزیون می خواهد فیلم و سریال بسازد ماهیت آن همین است.

یا مثل «اوج» و «بنیاد شهید» برای این کار بودجه ای دارد. اما وقتی این کار را قرار است در شهرستان انجام دهی، سازمان هایی که مستقیم در کار تولید فیلم هستند حضور ندارند. در مشهد یک ارشاد و انجمن سینمای جوان متولی این اقدام هستند که اصلا بودجه لازم را ندارند. جایی مانند شهرداری، آستان قدس یا ادارات دولتی که می توانند تجمیع شوند و در ساخت یک فیلم یا یک سریال کمک کنند، درک عدد و رقمی را از یک بودجه حرفه ای ندارند. مثلا وقتی شهرداری می خواهد یک کار را به یک فیلم ساز سفارش بدهد، اغلب همان نگاه به یک پیمانکار پل ساز را دارد. با تمام این تفاصیل من فکر می‌کنم هنرمندان زور خودشان را زده اند. من رفیق های خوبی در شهر مشهد دارم که توانستند فیلم های مستقلی چه مستند و چه داستانی در زمینه هویتی مشهد بسازند. من خودم هم دو سه مستند خوب دارم که برای شهر مشهد تأثیرگذار بوده است. مستند «نسیان» و «یک چهارشنبه بعد از ظهر». این قبیل مستند ها را هیچ جای دیگر نمی توان ساخت و فقط در مشهد مفهوم پیدا می‌کردند. این‌گونه کارها ساخته شده، ولی در قالب مستند است. چون بودجه هنرمند فقط به مستند می رسد. اما سراغ فیلم و سریال که می خواهیم برویم ذهن ها و نگرش ها باید تغییر کند.

خیلی از فیلم سازان و کارگردانان معتقدند که برای ساخت فیلم ناچارند که به پایتخت مهاجرت کنند تا فیلم خوب تولید کنند و باز هم خلأ ساخت فیلم خوب در عرصه هویتی و تاریخی درباره مشهد مغفول واقع می شود. برخی معتقدند که در سیاست گذاری های کلان فرهنگی توجه ویژه ای به مقوله تاریخ و هویت مشهد نمی شود. نظر شما چیست؟

ببینید اصلا فرقی نمی کند که فیلم سازی که از مشهد فیلم می سازد، حتما مشهدی باشد. اصلا شما برو یک فیلم ساز از هالیوود بیاور. شاید بهترین فیلم را از مشهد یک هالیوودی بسازد؛ نه یک مشهدی. شما اصلا بگذار فیلم ساز مشهدی ات از مشهد برود و جایی پیشرفت کند و بعد هم از او بخواهد که برای مشهد هم فیلم بسازد. خود فیلم ساز مهم نیست که کجایی باشد. مهم این است که برای مشهد فیلم هویتی خوب ساخته شود. اما اگر سؤال این است که چرا با هویت و تاریخ مشهد فیلمی بیرون نمی آید این ربطی به فیلم ساز ندارد که در مشهد زندگی می کند یا نمی کند. هر فیلم سازی که فهم مشترک از هویت مشهد داشته باشد هر جای دنیا هم باشد حتی اگر یک فیلم ساز برزیلی باشد می تواند فیلم خوبی بسازد. یک مدیر هم که می خواهد فیلم بسازد فهم مشترک او از هویت مشهد اهمیت دارد. اما اگر دنبال استخدام فیلم سازان مشهدی هم باشیم، هزار تا مسیر وجود دارد.

با توجه به بضاعت و ظرفیت مشهد و حضور هنرمندان فیلم ساز در این شهر، چطور می توان از این ظرفیت برای تولید آثار هویتی از شهرمان بهره برد؟

هزار راه وجود دارد. فیلم های ارزان قیمت، تشکیل تعاونی برای فیلم سازان و درگیر کردن فیلم سازان با ساختن فیلم. درباره ساخت فیلم های تاریخی و هویتی مشهدی باید بگردیم دنبال فیلم ساز اهلش. می خواهد کرد باشد، ایرانی باشد یا افغانستانی باشد. یک اثری که قرار است فرهنگ و تاریخ مشهد را ماندگار بسازد و تاریخ و فرهنگ و هویت مشهد را به تصویر بکشد. الان چهل و چند سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد و ما به برخی مسائل فرهنگی مان اصلا توجه نکردیم.

این بی توجهی به فردوسی و شاهنامه اش که شاعر بزرگ حماسی ماست هم وجود دارد.

بله. درست است. ولی تازه دارد زمزمه هایی می شود که از موضوع شاهنامه یا داستان های هزارو یک شب فیلم و سریال بسازند. این ها همه دستاورد های بزرگ درام نویسی است که بسیار مورد توجه کارگردانان و فیلم نامه نویسان بزرگ دنیا قرار گرفته است. شما سریال «بازی تاج و تخت» و یا «ارباب حلقه ها» و مانند این ها را که نگاه می کنید، متوجه می شوید این ها بخشی از قصه های شاهنامه را از آن خود کرده اند. ما فقط غفلت کردیم. حتی نخواستیم این را امتحان کنیم. ما در تمام زمینه های فرهنگی در این چهل وچند سال آزمون و خطا کرده ایم. ولی در بحث تولید آثار فرهنگی فیلم و سریال با مضامین ملی و میهنی هیچ کار درخورتوجهی انجام نداده ایم با وجود اینکه این مضامین و قصه ها این قدر شیرین هستند که از سرتاسر دنیا مخاطب دارند. واقعا ما می توانیم در بحث درام و داستان نویسی دنیا را تغییر دهیم با عناصر داستانی که در قصه های ایرانی وجود دارد.

به نظر شما علت این غفلت چیست؟

سیاست‌گذاری، بیشتر متمرکز بر مفاهیم مذهبی و سیاسی بوده است تا موضوع های ملی و میهنی. ما غافل از این هستیم که تاریخ ایران بارها ثابت کرده است که وقتی مردم با هم یکی شده اند، از پس بحران های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برآمده اند. در طول تاریخ ایران، زمانی که باورهای مذهبی و ملی با هم خوب پیوند خوردند، هم مسائل دینی و مذهبی خوب پیش رفته است و هم مسائل ملی و فرهنگی. اگر اثری مانند شاهنامه را ما یک نمونه موفق و جهان شمول از تولید و عرضه محصولات فرهنگی می دانیم به خاطر این است که خالق آن همواره از ایران گفته است. ایرانی که جنبه های ملی و مذهبی آن در هم تنیده شده است و نمونه بارزی از اتحاد است. درباره همین شاهنامه در دوران پهلوی، بیشتر بر جنبه های ملی و میهنی آن تأکید شد و برای همیشه گویا فراموش شده است که فردوسی یک ایرانی مسلمان و شیعه بوده است که هر دو جنبه ملی و مذهبی در مجموعه آثارش به خوبی دیده می شود. در تمام دوران تاریخ عثمانیان، ازبک ها، روس ها و حتی رومی ها به گونه ای از شاهنامه با تعویض نام شخصیت های آن کپی کرده اند. چرا؟ چون در شاهنامه یک پیوند اساسی بین باور های اعتقادی و انسانی دارد که هر ملتی آن را برای خودش آپدیت می‌کند تا با بهره وری از شیوه هنرمندانه شاهنامه در تقویت باورهای ملی و مذهبی مردمشان کاری کرده باشند. با اینکه شاهنامه متعلق به ماست، اما ما باز در این دوران جنبه های ملی و میهنی آن را فراموش کرده ایم. انگار یادمان رفته است که به همان اندازه که امت اسلامی اهمیت دارد، ملت ایران نیز دارای اهمیت هستند.

خود شما در حوزه فردوسی و شاهنامه و دیگر چهره های ماندگار ایرانیان چقدر تحقیق کرده اید و چه کارهایی درباره آن ها داشته اید؟

من قبلا فقط شاهنامه را خوانده بودم. اما الان به واسطه مستندی که در حال تولید آن هستم خیلی در حال وهوای آن قرار گرفتم و این مستند سبب شد که من به فکر این بیفتم که از داستان های آن برای کارهای فیلم و سریال هم استفاده کنم. چون قصه های بی نظیری دارد که فکر می کنم سینه به سینه سالیان دراز چرخیده است. به جز این چهل و چند سال اخیر که ما فراموشش کردیم. شاهنامه می تواند به عنوان کتاب دوم سر طاقچه هر ایرانی در کنار قرآن باشد؛ که نیست و ما از آن غفلت کرده ایم.

درباره این اثر بیشتر می گویید؟

یک مستند داستانی است در ارتباط با نگاه به شاهنامه در گذر تاریخ. از زمانی که فردوسی شاهنامه را تمام کرده است و در عزلت و گوشه نشینی سپری می‌کند و در تنهایی می میرد و دفن می شود تا ۱۴۰۳ شمسی، در دوران های مختلف تاریخی، چه بر مقبره، نام و اثر او، یعنی شاهنامه گذشته است.

شاید کارهایتان از این به بعد بیشتر به این سمت وسو برود؟

بله. از زمانی که در این فضای شاهنامه قرار گرفتم، خیلی انگیزه ام بالا رفته است که فیلم یا سریالی از یکی از داستان های شاهنامه یا خود فردوسی یا دوران صفویه که یکی از دوران پر رونق شاهنامه است بسازم.

با توجه به ورود شما در این حوزه، آیا مقاومت هایی در برابر شما برای ساخت فیلمی درباره شاهنامه و فردوسی وجود داشت؟

قبلا مقاومت ها بسیار بود. ولی الان اصلا. بیشتر تشویق وجود دارد. حتی خود شهرداری مشهد و شهرآرا و حوزه هنری تشویق می‌کنند که ایده‌ای برای فردوسی و شاهنامه بدهیم. جو ۱۰ سال پیش اصلا این‌گونه نبود. آن زمان اگر طرحی می دادیم داخل کشو می رفت و توجهی به آن نمی شد. اما در این زمانه به نظرم مجموعه فرهنگی حکومت به بینش و نگرش حضرت آقا رسیده است که شاهنامه هویت ایرانی ماست و سراینده آن هم کسی بوده که ایران را سروده است؛ یک ایرانی شیعه. این نکته خیلی مهمی است. حتی کسی که برای اولین بار به ابوالقاسم فردوسی لقب حکیم داده است، خود رهبر معظم انقلاب هستند. ایشان معتقد است که یک حکمتی در اشعار فردوسی است. ما می توانستیم بگوییم فردوسی حماسه سراست، ولی این لقب از زبان ایشان برای فردوسی، او و اثرش را معنادار کرده است.

علت این غفلت دولت به فردوسی و شاهنامه اش، در حالی که ارادتمندان بسیاری دارد، چیست؟

علت بزرگش این است که جمهوری اسلامی در آن ابتدای امر، از فردوسی و شاهنامه فاصله ای گرفت. به این دلیل که مسیر غلطی را در دوران پهلوی رفته بودند. در دوران پهلوی اول و دوم شاهنامه را طوری در میان مردم تعریف کرده بودند که انگار مسیری از سلسله پهلوی و سلطنتی است. درحالی که شاعر شاهنامه، خودش دهقان زاده است و این کتاب ارزشمند را برای مردم نوشته است. کتاب او اصلا ربطی به جریان شاهان ندارد و سرگذشتی از شاهان تخیلی را بیان کرده است. برای درس گرفتن تمام انسان ها در تمام دوران ها. برخی پادشاهان و زمامداران امور، در طول تاریخ از شاهنامه سوءاستفاده های سیاسی و جایگاهی می‌کردند. در دوران پهلوی هم برای اینکه بگویند ما قدمت داریم و هویت به خود ببخشند، از شاهنامه سوءاستفاده شده است و مردم برای اینکه زمان پهلوی از حکومت منزجر شده بودند، به شاهنامه هم که مورد سوءاستفاده آن ها بود حس خوبی نداشتند.

اینکه می گویید اوایل انقلاب این وضعیت برای شاهنامه ادامه داشت و برخی مردم هنوز شاهنامه و فردوسی را تخریب می کردند. دلیلش چه بود؟

بله. آن زمان هنوز هم وضعیت بی اعتمادی مردم به رژیم پهلوی مانده بود. برای همین برخی از مردم مشهد از روی بی اطلاعی و برداشت اشتباه که فردوسی بخشی از هویت پهلوی است، دست به تخریب مقبره زدند. حتی خود حضرت آقا به عنوان فردی آگاه و مطلع دستخطی نوشتند و بر سر مقبره گذاشتند که این کار را نکنند و تأکید داشتند که فردوسی ربطی به رژیم پهلوی ندارد.

ایشان از همان آغاز جوانی که اصلا هنوز حرفی از انقلاب نبوده است، به عنوان یک شهروند معمولی اما علاقه مند به مفاهیم ملی و مذهبی، عضو انجمن فردوسی مشهد بودند و بسیار به جنبه های گوناگون شاهنامه آشنا هستند. شاید باورش سخت باشد که بدانید اولین عکسی که از رهبر معظم انقلاب به عنوان یکی از شهروندان این شهر وجود دارد عکسی است در انجمن فردوسی مشهد که در کنار چند شاعر ایستاده اند. این خیلی برای من جالب است که اولین سند حضور ایشان به عنوان یک فرد مطلع به امور فرهنگی و هنری، باید در انجمن فردوسی باشد. جایی که خیلی از اعضای آن با حضرت آقا ایدئولوژی های متضادی داشته اند. اگر ایشان هم از فردوسی غفلت می‌کردند، الان چیزی از فردوسی و شاهنامه اش نمی ماند. من حسم این است که این رونق با تکیه بر همین باور محکم رهبر معظم انقلاب است که برخی مدیران جرئت کرده اند و می توانند در این زمینه کار کنند.

درباره سریال «عشق کوفی» که اولین سریال تاریخی شما بود، بگویید و بازخورد هایی که از آن سریال دریافت کردید؟ با توجه به تجربه آن سراغ «رؤیای نیمه شب» رفتید؟

یکی ازآثاری که به شدت دوستش دارم و در هر مرتبه پخش، بازخورد های خیلی خوبی از آن می‌گیرم، سریال «عشق کوفی» است. هر بار که پخش می شود مردم بیشتر از قبل استقبال می‌کنند و این انگیزه من را در ساخت فیلم های تاریخی بیشتر می‌کند. «عشق کوفی» اولین تجربه تاریخی من به صورت جدی بود و من همواره نسبت به آن دغدغه مندی هایی دارم. با اینکه از نظر درام محدودیت هایی مثل تنوع لوکیشن و شخصیت و داستان داشت، اما قصه جذاب آن باعث شد تا انتها با انگیزه بالا کار کنم و مخاطب را جذب کنم. به خاطر آن تجربه شیرین متوجه شدم که می توانم از پس کارهای تاریخی برآیم. بعد از آن «رؤیای نیمه شب» را ساختم که محدودیت های آن از نظر وسعت بلند پروازی در درام را ندارد، لوکیشن ها و بازیگرانش خیلی بیشتر هستند و قصه تم عاشقانه، انسانی و مذهبی دارد که به نظر من یک مدل ویژه است. تا الان در آثار تلویزیونی و پلتفرمی در ایران به این شکل به موضوع مهدویت پرداخته نشده است.

اخیرا شایعاتی هم درباره «رؤیای نیمه شب» مطرح شد که براساس آن قرار بود این سریال در ماه مبارک همین امسال پخش شود.

شاید شیطنت های رسانه ها باشد. با من گفت وگویی در این باره نشده است. اما تصورم این است که برخی می خواهند کار را از خود کنند که می‌گویند ما کار را پخش می‌کنیم و به همین علت این شایعات را درست می‌کنند. ما از لحاظ فنی در پس تولید هنوز کار داریم و جلوه های ویژه مانده است و نمی توان آن را ماه مبارک امسال پخش کرد. ضمن اینکه قطعا پس تولید کار برج دو سال آینده تمام می شود و بعد از آن می شود برای پخش کار تصمیم گرفت.

با توجه به تجربیات موفق شما در فیلم سازی و کارگردانی پیشنهاد شما برای هنرمندی که تازه کار را شروع کرده است و می خواهد وارد کار شود چیست؟

دو نکته مهمی که می توانم بگویم؛ سخت‌کوشی و آموختن و فراگیری تخصص است. در تمام این سال هایی که من فعالیت کردم رفیق های هنرمند بسیاری داشتم که کارشان هم بسیار خوب بوده و ایده های منحصربه فردی داشتند. اما بعضی برای اینکه مسیر رسیدن به موفقیت در عالم هنر و سینما و تلویزیون سخت، پیچیده، طولانی و خسته‌کننده است جا زده اند. بهتر است در مسیر خود پایمردی کنند و تخصص خود را بسیار بالا ببرند. اگر در عالم سینما و تلویزیون یا عرصه بازیگری یا در پشت صحنه هستند، حتما دنبال تخصصی حرفه ای بروند. هیچ چیز اندازه این موارد نمی تواند هنرمند را به موفقیت برساند. پول و پارتی کاری برای کسی نخواهد کرد. نکته دیگر اینکه هنرمندان نباید درگیر صحبت ها و مسیر رفته استادان و پیشکسوتان و مدیران شوند. هر کسی باید مسیر خودش را پیدا کند.

حال و هوای این روز هایتان در حرفه تان چیست؟ مشغول چه کارهایی هستید؟

سریالی به نام «شیرعلی مردان خان بختیاری» را در دست تهیه دارم که یک سریال خیلی سنگین برای سیما فیلم است. موضوع آن برای صد سال پیش است، مربوط به آخر دوران قاجار و اول پهلوی است. در ۴۲ قسمت است و یک سال و چند ماه کار دارد. درگیر پیش تولید آن هستم.

آرزوی ساخت فیلمی درباره فرهنگ و تاریخ مشهد دارم

گپ وگفت

رومینا مالوف| در دنیای پرشتاب امروز، سینما به عنوان زبان جهانی، نه تنها یک سرگرمی، بلکه ابزاری قدرتمند برای انتقال فرهنگ و هویت های تاریخی به نسل های مختلف است. غلام حسن آخوندپور، کارگردان سریال تاریخی «رؤیای نیمه شب»، در جدیدترین اظهارات خود از آرزوهای بزرگ و انسانی در دنیای فیلم سازی پرده برداشته است. پروژه های آینده او، از ساخت فیلم هایی درباره شاهنامه و تأثیر آن بر فرهنگ خراسان تا روایت قصه های شگفت انگیز از امام رضا(ع)، می تواند نقطه عطفی در سینمای ایران باشد. آخوندپور به خوبی دریافته است که سینما باید فراتر از تصویر و سرگرمی، میراث فرهنگی ما را به جهانیان معرفی کند. در گفت وگو با او، به جزئیات بیشتری از پروژه های آینده اش و چالش هایی که در تولید آثار تاریخی در شهرستان ها با آن روبه رو است، پرداخته ایم. غلام حسن آخوندپور، کارگردان سریال تاریخی «رؤیای نیمه شب»، درباره وضعیت فعلی این پروژه تصریح کرد: این سریال همچنان در مراحل فنی قرار دارد و برخلاف برخی اخبار، پخش آن برای ماه رمضان امسال منتفی است. ما هنوز درگیر تدوین، صداگذاری، جلوه های ویژه بصری و موسیقی هستیم. چون کار تاریخی است، حساسیت روی جزئیات بیشتر است و نمی خواهیم کیفیت را فدای عجله کنیم. پیش بینی ما این است که این سریال در سال آینده و پس از تکمیل فرایندهای فنی، به نمایش گذاشته شود.

«رؤیای نیمه شب» ویژگی های متمایز از دیگر آثارم دارد

وی درباره ویژگی های منحصر به فرد این سریال بیان کرد: چند ویژگی باعث می شود این سریال در میان آثار تاریخی متمایز باشد. اول اینکه این نخستین سریال تاریخی است که برای پلتفرم ساخته می شود، بنابراین ساختار و پرداخت آن متفاوت از سریال های تلویزیونی است. همچنین داستان آن در دوره ای کمتر شناخته شده از تاریخ ایران، یعنی زمان حکومت اولجایتو، پادشاه مغول، روایت می شود. از نظر روایی، ما در این سریال با چند خط داستانی موازی روبه رو هستیم که شامل شخصیت های فارس، عرب و مغول است. علاوه بر این، تم عاشقانه و انسانی آن باعث می شود ارتباط عاطفی عمیق تری با مخاطب برقرار کند.

فضای تاریخی سریال

کارگردان سریال «رؤیای نیمه شب» ادامه داد: «رؤیای نیمه شب» در فضای تاریخی شهر حله جریان دارد. این داستان، در عین داشتن رگه های عاشقانه، به ماجراهای تاریخی و شخصیت های واقعی هم می پردازد. از جمله شخصیت های واقعی این سریال، می توان به مرجان صغیر، حاکم شهر حله، اشاره کرد که یک زن قدرتمند در تاریخ آن دوران بوده است. ما تلاش کرده ایم تا با حفظ چهارچوب داستان، جنبه های تاریخی را به درستی روایت کنیم.

انتخاب بازیگران بر اساس معیارهای ویژه

آخوندپور درباره انتخاب بازیگران برای این سریال توضیح داد: برای انتخاب بازیگران چند معیار داشتیم. یکی از مهم ترین معیارها توانایی بازیگر در اجرای نقش های تاریخی بود، چون این نقش ها به بیان و حرکات خاصی نیاز دارند. از سوی دیگر، تنوع ملیتی در داستان باعث شد که نیاز به بازیگرانی داشته باشیم که بتوانند با لهجه های مختلف بازی کنند. به همین دلیل، گروهی متشکل از بازیگران حرفه ای و چهره های جدید را گرد هم آوردیم تا ترکیب متنوعی داشته باشیم.

مقایسه «رؤیای نیمه شب» با «عشق کوفی»

وی درباره مقایسه «رؤیای نیمه شب» با سریال قبلی خود، «عشق کوفی»، تأکید کرد: «عشق کوفی» سریالی بود که باوجود محدودیت های لوکیشن و تعداد شخصیت ها، توانست به خوبی با مخاطب ارتباط برقرار کند. اما «رؤیای نیمه شب» از نظر مقیاس بسیار بزرگ تر است. ما در این سریال تعداد بیشتری بازیگر داریم، لوکیشن ها متنوع تر هستند و دامنه داستان فراتر از یک مقطع کوتاه تاریخی است. از طرفی، این اثر فقط یک روایت تاریخی نیست و در لایه های زیرین خود، مضامین اجتماعی و عاشقانه هم دارد.

آینده کاری و علاقه به ژانرهای مختلف

آخوندپور همچنین درباره پروژه های آینده خود گفت: هم زمان با اتمام «رؤیای نیمه شب»، دو طرح تاریخی دیگر را هم در دست بررسی دارم، اما به این معنی نیست که همیشه در این ژانر باقی بمانم. به ژانرهای رئال و اجتماعی هم علاقه دارم و فکر می‌کنم در آینده حتما سراغ آن ها خواهم رفت. اما در حال حاضر، باتوجه به تجربه ای که در ساخت آثار تاریخی کسب کرده ام، دوست دارم چند کار دیگر در این حوزه انجام دهم.

آرزوهای فیلم سازی در مشهد

وی درباره ارتباط خود با مشهد و پروژه های آینده اش افزود: مشهد شهر من است و همیشه دوست داشته ام اثری بسازم که بتواند فرهنگ و تاریخ این شهر را به درستی روایت کند. تاکنون چند مستند و فیلم کوتاه درباره مشهد ساخته ام، اما هنوز کاری که به طور کامل حق این شهر را ادا کند، تولید نکرده ام. یکی از آرزوهایم این است که فیلمی درباره شاهنامه و تأثیر آن بر فرهنگ خراسان بسازم یا به سراغ قصه های مرتبط با امام رضا(ع) بروم و مطمئنم که روزی این پروژه را عملی خواهم کرد.

چالش های تولید فیلم در شهرستان ها

کارگردان سریال «رؤیای نیمه شب» درباره چالش های تولید فیلم در شهرستان ها نیز خاطرنشان کرد: زمانی که شما بخواهید در شهرستان فیلم تولید کنید، سازمان هایی که مستقیم مسئول تولید فیلم هستند، مثل انجمن سینمایی جوان یا ارشاد، بودجه کافی ندارند. برخی سازمان ها مثل شهرداری یا بنیاد شهید می توانند به تولیدات فرهنگی کمک کنند، اما نگرش آن ها بیشتر شبیه به سفارش دهنده های دیگر است و این باعث می شود که از دیدگاه سینمایی صحیح به تولید نگاه نکنند. این نبود هماهنگی میان فیلم سازان و این سازمان ها، مشکل ساز است.

عکس: سعید گلی-شهرآرا

دست نیافتن به تاریخ مشهد در سینما

وی همچنین درباره نگرش های نادرست در تولید فیلم های تاریخی گفت: این به نگرش و سیاست های تولید فیلم ها برمی‌گردد. برخی معتقدند که سیاست ها به گونه ای تنظیم شده که تاریخ مشهد یا هویت مشهد در تولیدات سینمایی به درستی بازتاب پیدا نمی‌کند.

شاهنامه و غفلت از آن در سینما

این کارگردان تصریح کرد: من معتقدم که فیلم سازانی که دارای فهم مشترک از تاریخ و هویت مشهد هستند، باید به این موضوع ها بپردازند. حتی اگر فیلم ساز از خارج از مشهد بیاید، تا زمانی که درک و فهم مشترک از مشهد داشته باشد، می تواند فیلم خوبی بسازد. به علاوه، ما باید برای تولید آثار ماندگار تاریخی و هویتی، از فیلم سازان اهل مشهد یا حتی دیگر مناطق که به تاریخ و فرهنگ مشهد آشنا هستند، حمایت کنیم. وی همچنین درباره غفلت از قصه ها و تاریخ غنی ایران بیان کرد: این به دلیل غفلت از قصه ها و تاریخ غنی ایران است. در طول سال ها، از داستان های شاهنامه و دیگر آثار تاریخی غفلت کرده ایم و این قصه ها به دلیل شیرینی و جذابیت، در دنیا طرف داران زیادی دارند. ما باید به این قصه ها توجه بیشتری داشته باشیم و از آن ها در سینما استفاده کنیم. آخوندپور در پایان گفت: به دلیل توجه نکردن به پیوندهای فرهنگی و تاریخی ایران، مشکلات زیادی ایجاد شده است. برای موفقیت در سینما و هنر، باید این دو بعد را با هم تلفیق کنیم و توجه بیشتری به مفاهیم ملی و مذهبی داشته باشیم.